



هفته‌آخر در کنار دو

دکتر محمد رضا ظفرقندی

استاد جراحی دانشگاه علوم پزشکی تهران و رئیس کل سازمان نظام پزشکی ایران



آشنایی، فهمیدم که ایشان به عنوان زندانی سیاسی در زندان بودند و به دلیل اعتقاداتی که داشتند، در مسیر فعالیت‌های اجتماعی و در راه خدا زحمات زیادی را متحمل شدند. دوستی ما بعد از انقلاب هم ادامه پیدا کرد و در حوزه‌های مختلف علمی،

آشنایی من با دکتر فریدون سیامک نژاد به حدود ۴۵ سال پیش باز می‌گردد، وقتی که من وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شدم، ایشان اواخر دوره تحصیلی‌شان را در دانشکده داروسازی می‌گذراندند و از طریق دکتر صدر با هم آشنا شدیم. بعد از این



مراسم افطاری در مدرسه مفید

ایشان تماس گرفتم و از حالشان جويا شدم. ایشان گفتند که خوب هستیم، یک مقدار تنگی نفس دارم که شدید نیست.

درمان دارویی رمدسیویر نیز برایشان شروع شده بود. ۱-۲ روز به همین منوال گذشت و من پی‌گیر احوال ایشان بودم. بعد از ۳ روز متوجه شدم که حال ایشان ناگهان بد شده و یک طوفان سیتوکینی (cytokine storm) و افت میزان اکسیژن روی داده بود، چون من از روزهای قبل هم با پزشکان و مدیر بیمارستان صحبت کرده بودم که به شرایط ایشان توجه کنند، بلافاصله ایشان را به ICU برده بودند. من همان شب به ICU رفتم و به ایشان سر زدم، با ماسک بای‌پپ (BiPAP) اکسیژن به ایشان داده می‌شد. از همکاران فوق تخصص ریه و همکاران بیهوشی و متخصصان ICU هم خواهش کردم که ایشان را ببینند. آن‌ها هم زحمت کشیدند و تشریف آوردند و

آموزشی و اجتماعی همکاری‌های حرفه‌ای داشتیم. سال‌ها باهم در مدرسه‌ای به نام دبیرستان مفید تدریس می‌کردیم و در فعالیت‌های اجتماعی نیز با هم همکاری داشتیم. به هر صورت، این دوستی ما بسیار صمیمی و طولانی بود. این همکاری در انجمن اسلامی جامعه پزشکی که ایشان از مؤسسان آن بودند، نیز ادامه پیدا کرد. از حدود سال ۱۳۷۰ تاکنون که نزدیک ۳۰ سال می‌شود، با هم همکاری داشتیم و در فعالیت‌های مختلف اجتماعی، ایشان آدم دست‌به‌خیری بود و هر جا نیازی یا نیازمندی بود، اولین چراغ را ایشان برای کمک روشن می‌کردند و بالاخره با روحیه‌ای که در جهت فعالیت‌های اسلامی و دینی داشتند، در مجامع مختلف دینی، حوزه‌ها، عبادت‌ها و زیارت‌ها باهم بودیم.

این اواخر نیز ایشان در سازمان نظام پزشکی، با ما همکاری داشتند که من از ایشان خواهش کردم در فعالیت‌های سازمان نظام پزشکی در حوزه‌های نظارتی و انتظامی برای تعالی به ما کمک کنند و در آنچه ما باید از جامعه خودمان و حرفه خودمان حفاظت و مراقبت کنیم، ایشان سهمی را بر عهده داشتند که باعث افتخار ما بود. در مورد بیماری ایشان، وقتی به بنده اطلاع دادند که در بیمارستان نورافشار به دلیل کرونا بستری شدند، من بلافاصله با



افزایش آنزیم های قلبی و تروپونین شدند و کراتین شان بالا رفت که باعث افت فشار خون شد. بنابراین، نارسایی چند عضوی (Multiple Organ Failure) پیش آمد که ۲۴ ساعت بعد از آن فوت کردند. سه روز قبل از فوتشان، یک اکو برایشان انجام گرفت که تشخیص تنگی دریچه میترال داده شد که از قبل اطلاع نداشتند. CT-Scan ایشان را که من ملاحظه کردم، همان روز اول حدود ۵۰ درصد ریه

ایشان را دیدند. پالس کورتون برایشان شروع شد. در ۲-۱ روز بعد هم من باز در ICU به عیادتشان می رفتم ولی خودشان به علت داروهای سداتیو (Sedative) که برای تحمل ماسک بای پپ می گرفتند، هوشیار نبودند و این افت اکسیژن تشدید می شد. البته، ابتدا در یک مرحله بهبود پیدا کردند و نسبتاً بهتر شدند که امیدواری ایجاد کرد ولی دوباره این شرایط بدتر شد. یک روز قبل از فوتشان، دچار

مسیر کشیده نمی شدیم.
من فوت ایشان را به خانواده و بستگان
ایشان، همکارانشان در نشریه رازی، دوستان
و همکاران داروساز تسلیت می گویم و
ایشان واقعا مصداق این کلمه است که
می فرماید:

" إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ
اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا
تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ
الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ "

(آیه ۳۰ سوره فصلت)

"به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما
خداوند یگانه است! سپس استقامت کردند،
فرشتگان بر آنان نازل می شوند که نترسید
و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن
بهشتی که به شما وعده داده شده است!"

**انشالله خداوند جنت و رحمت خودش
را مشمول حال ایشان بگرداند.**

گرفتاری داشت که من خیلی تعجب
کردم و از بستگان ایشان پرسیدم که چرا
ایشان با این تاخیر مراجعه کردند؟ و این
که واکسن را چه زمانی زدند؟ که پاسخ
دادند دوز اول را حدود یک ماه و اندی پیش
زدند و درست مقارن با بیماری، دوز دوم را
زدند که این امر برای من هم تعجب و
هم تاسف داشت که ایشان می توانست
به دلیل سابقه کار حرفه ای زودتر از این
واکسن بزنند و دوز دوم واکسن را همزمان
با بیماری زدند که علیرغم تلاشی که
همکاران ما در بیمارستان انجام دادند،
بالاخره در روز داروسازی که این تقارن هم
عجیب بود، ایشان به رحمت خدا رفتند.
به نظر بنده در مورد علت فوت ایشان،
تاخیر در مراجعه مهم بوده و چنانچه دوز دوم
واکسن را یک ماه یا سه هفته قبل زده
بودند، ما مسیر بهتری را طی می کردیم.
واکسن دوز دوم را دو روز قبل از بستری
شدنشان زده بودند و طبیعتا اگر واکسن
دوز دوم را سه هفته قبل می زدند و سطح
آنتی بادی بالاتر بود، ما احتمالا به این

